انهدام باند ۱۱ نفره کلاهبرداران تلفنی

یازده عضو باند شبکه بزرگ کلاهبرداری تلفنی موسوم به رادیوجوان در پایتخت شناسایی و بازداشت شدند. به گزارش جام‌جم، سرهنگ داوود معظمی‌گودرزی، رئیس پلیس فتای پایتخت دراین‌باره گفت: تعدادی از شهروندان به پلیس فتا مراجعه و شکایت کردند که در دام کلاهبرداران تلفنی افتاده‌اند و طی تحقیقات معلوم شد مردی ناشناس به آنها زنگ زده و عنوان کرده برنده خوش‌شانس قرعه‌کشی رادیوجوان شده‌اند و با این ترفند به بهانه پرداخت جایزه، اطلاعات آنها را دریافت و بعد موجودی حساب‌هایشان را خالی کرده‌اند. متهمان تحت‌تعقیب قرار گرفته و در ادامه هفت مرد از اعضای این شبکه در مرحله اول شناسایی و دستگیر شدند و تحقیقات برای دستگیری بقیه اعضای این باند ادامه داشت تا این‌که سه زن هم که اعضای باند بودند در یکی از استان‌های همجوار تهران دستگیر شدند. با اعتراف آنها سرکرده باند که یک مرد بود نیز بازداشت شد. متهمان به کلاهبرداری از بیش از ۶۰ نفر به ارزش دو میلیارد تومان اعتراف کردند.

۲ کارگر هنگام جمع‌آوری تجهیزات کارخانه بازیافت کاغذ، جان باختند

مرگ با برق در حوضچه پسماند

معصومه ملکی
حوادث

دو مرد که در حال جمع‌کردن تجهیزات کارخانه بودند، قربانی برق‌گرفتگی در حوضچه پسماند شدند. یکی از آنها دچار برق‌گرفتگی شد که همکارش وقتی برای نجات او وارد حوضچه شد با سرنوشتی مشابه به کام مرگ رفت.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، داوود ۴۲ ساله، نماینده و کارمند کارخانه بازیافت کاغذ در شهرک صنعتی بوکان استان آذربایجان‌غربی بود. او از یک‌سال قبل در آن کارخانه کار می‌کرد. قرار بود این کارخانه از بوکان به تبریز منتقل شود و در حال انتقال تجهیزات به تبریز بودند. داوود و همکار ۵۰ ساله‌اش به‌نام اسد پانزدهم فروردین امسال به شهرک صنعتی بوکان رفته و مشغول جمع‌آوری تجهیزات باقیمانده شدند. صبح روز نوزدهم فروردین اسد مشغول بازکردن دستگاه پمپ در حوضچه خمیر و پسماند کارخانه بود که دچار حادثه برق‌گرفتگی شد و داخل حوضچه افتاد. داوود برای نجات همکارش پا به حوضچه گذاشت اما او هم دچار برق‌گرفتگی شد و فوت شد. وقتی نیروهای امدادی به محل حادثه رسیدند، اسد زنده بود و او را به بیمارستان منتقل کردند که بعد از دو روز فوت شد.

بیش از یک هفته است که خانواده آنها، لباس عزا به تن کرده‌اند و عزیزان خود را به خاک سپرده‌اند. بچه‌ها هنوز برای دیدن پدرهایشان چشم به در خانه دوخته‌اند. این داغ بیش از همه ، باران ۱۰ ساله فرزند داوود را اذیت می‌کند. او این سال‌ها را با داغ مرگ مادر گذرانده و حالا نمی‌داند چطور باید با مرگ پدر کنار بیاید. پدر بعد از آخرین صحبت تلفنی به باران قول داده بود وقتی او از خواب بیدار شد از محل کار به خانه بازگردد اما هیچ‌وقت بازنگشت و باران را برای همیشه تنها گذاشت.

داماد خانواده داوود می‌گوید: «سال ۹۰ همسر داوود فوت شد.

او و دختر ۱۰ ساله‌اش باران با پدر و مادر داوود در تبریز زندگی می‌کردند. دو سال می‌شد که در کارخانه بازیافت کاغذ و کارتن‌سازی کار می‌کرد. کارخانه از بوکان به تبریز منتقل شده و پانزدهم فروردین با همکارش برای جمع‌آوری تجهیزات باقیمانده به بوکان رفته بود. قرار بود هجدهم فروردین بازگردند که نشد و آمدن‌شان به روز بعد موکول شد.

ساعت ۹ صبح پنجشنبه چند بار به تلفن داوود زنگ زدیم که جواب نداد. بعد با مدیر کارخانه صحبت کردیم که او هم خبری از آنها نداشت. به تلفن همکارش هم زنگ زدیم که پاسخ نداد. دلشوره به جان‌مان افتاده بود. حوالی ظهر مدیرعامل کارخانه به ما زنگ زد و گفت خودش راهی بوکان شده است. ما هم صبر نکرده و راهی آنجا شده و متوجه حادثه شدیم.»

داوود

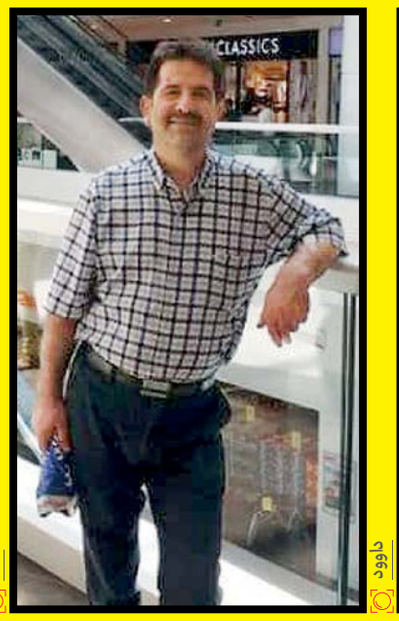

اسد

فواد اسماعیل‌پور، رئیس هیات‌مدیره شهرک صنعتی بوکان در استان آذربایجان‌غربی هم به خبرنگار ما گفت: کارخانه محل حادثه ۱۵ سال فعالیت داشت. ساعت ۱۴ روز نوزدهم فروردین امسال یکی از کارگران کارخانه شن‌سازی که در کنار کارخانه محل حادثه کار می‌کرد با دیدن پاهای یک مرد که از حوضچه آویزان شده بود متوجه حادثه شد. او موضوع را به چند کارگر آنجا اطلاع داد که بعد از قطع برق کارخانه و خارج کردن آن دو از حوضچه متوجه شدند داوود فوت شده اما دیگری را به بیمارستان رساندند که بعد از دو روز او هم فوت شد. بررسی‌های کارشناس اداره کار نشان می‌داد که هر دو بر اثر برق‌گرفتگی فوت شدند.

بریدن گلوی همسر در جاده آتشگاه

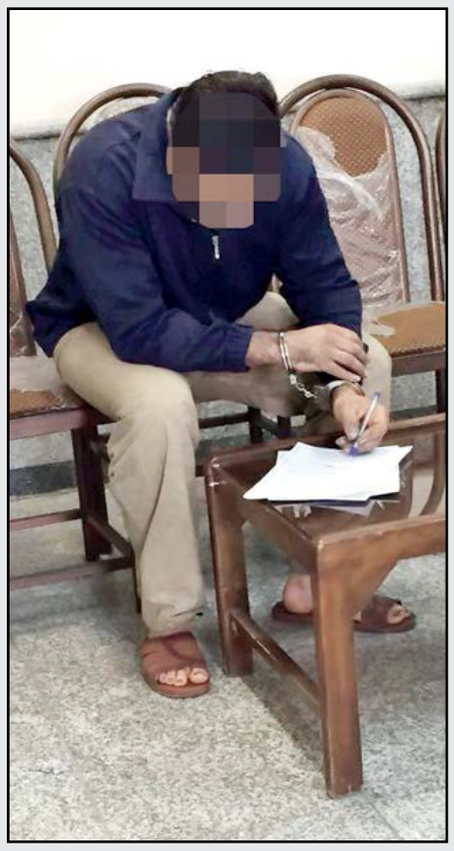

مرد جوان که در جاده آتشگاه کرج به دلیل اختلاف خانوادگی، گلوی همسرش را بریده بود صحنه قتل را بازسازی کرد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، در آخرین روزهای فروردین امسال سرنشینان دو خودرو در جاده آتشگاه کرج با صحنه هولناکی روبه‌رو شدند. مردی در حاشیه جاده با چاقو در حال بریدن گلوی زن جوانی بود. آنها در کنار جاده توقف کردند که متهم با دیدن آنها سریع از محل گریخت.

آنها سراغ زن جوان رفتند. گلویش با چاقو بریده شده بود و به‌شدت خونریزی داشت. زن جوان که شوکه بود، در حالی که بریده‌بریده صحبت می‌کرد، شوهرش را به‌عنوان متهم معرفی کرد و گفت: او می‌خواست سرم را ببرد و اگر شما نمی‌رسیدید این کار را کرده بود. یکی از شاهدان ماجرا با اورژانس و پلیس تماس گرفت و دقایقی بعد امدادگران در محل حاضر شده و زن ۲۱ ساله را به بیمارستان انتقال دادند اما او به دلیل شدت خونریزی قبل از رسیدن به بیمارستان جان‌باخت.

سرهنگ محمد نادربیگی، رئیس پلیس آگاهی استان البرز دراین‌باره به جام‌جم گفت: پس از مرگ زن جوان، پرونده در اختیار تیم اداره مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی قرار گرفت و کارآگاهان با دستور بازپرس دادسرای جنایی کرج تحقیقات برای دستگیری قاتل را آغاز کردند. در بررسی‌های پلیسی مشخص شد این زن مدتی است با همسرش اختلاف دارد و قصد داشت از او طلاق بگیرد.

وی ادامه داد: با شناسایی هویت متهم به قتل، او تحت تعقیب قرار گرفت و همان شب در یکی از محله‌های کرج شناسایی و دستگیر شد. مرد جوان در ابتدا مدعی بود در زمان قتل دچار اختلالات روانی شده و به همین دلیل همسرش را کشته است. تحقیقات دراین‌باره ادامه داشت و متهم برای بررسی سلامت روانی‌اش به پزشکی قانونی معرفی شد.

رئیس پلیس آگاهی البرز با اشاره به بازسازی صحنه قتل توسط متهم گفت: مرد جوان دوشنبه- دیروز- با انتقال به محل جنایت به بازسازی صحنه قتل پرداخت و مدعی شد: همسرم قصد طلاق داشت و خانه مشترکمان را ترک کرده بود. روز قتل از خانه چاقویی برداشتم و با همسرم تماس گرفتم و خواستم همدیگر را ملاقات کنیم. او با اصرار من قبول کرد و به جاده آتشگاه رفتیم. او را از ماشین بیرون کشیدم تا سرش را ببرم که چند نفر سررسیدند در حالی که گلویش را بریده بودم فرار کردم. متهم به قتل پس از بازسازی صحنه قتل به بازداشتگاه پلیس آگاهی منتقل شد.

اسیدپاشی زن جوان برای سفر به اروپا

زنی که برای سفر به اروپا، با اسید شوهرش را سوزانده و یکی از چشمان او را کور کرده بود، به دادسرای جنایی تهران احضار شد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، یکشنبه پنجم اردیبهشت امسال مرد ۲۸ ساله‌ای که بدنش با اسید سوزانده شده و بینایی چشم چپ خود را دست داده بود، نزد بازپرس شعبه یازدهم دادسرای جنایی تهران آمد و با شکایت از همسرش به اتهام اسیدپاشی گفت: مدتی بود همسرم می‌خواست با دختر دوساله‌مان برای زندگی به اروپا برود. به همین دلیل از من خواست طلاقش دهم که موافقت نکردم. این کشمکش‌ها و درگیری‌ها ادامه داشت. سیزدهم اسفند سال گذشته همسرم بعد از قهر چندروزه به خانه آمد و دوباره ماجرای طلاق و رفتن به اروپا را پیش کشید. حالم خوب نبود و خوابیدم. ساعاتی بعد وقتی بیدار شدم، همسرم با ظرفی در دست، بالای سرم بود. آن را روی بدنم و چشمانم پاشید و فرار کرد. همسایه‌ها با شنیدن صدای کمک‌خواهی‌ام مرا به بیمارستان منتقل کردند. در بیمارستان خانواده همسرم اعلام کردند اگر از او شکایت نکنم، دیگر طلاق نمی‌گیرد، به اروپا نمی‌رود و به زندگی‌اش با من ادامه می‌دهد. به‌خاطر دخترمان وقتی پلیس درباره حادثه پرس‌وجو کرد مدعی شدم که موقع کار با اسید دچار حادثه شده و از کسی شکایتی ندارم.

وی افزود: در این مدت درگیر درمانم بودم تا این‌که چند روز پیش فهمیدم او هنوز طلاق می‌خواهد و قصد دارد قاچاقی همراه دخترمان از کشور خارج شود. وقتی اصرار او را دیدم تصمیم گرفتم شکایت کنم. زیرا همسرم با این کار باعث شد بینایی یک چشم خود را از دست بدهم و حالا قصد دارد فرزندمان را با خود به اروپا ببرد.

پرونده با دستور قضایی به پلیس آگاهی تهران ارسال شد تا از همسایه‌ها که شاهدان اسیدپاشی بودند و خانواده زن اسیدپاش تحقیق کنند و فیلم دوربین‌های مداربسته ساختمان که محل اسیدپاشی بود بازبینی شود. همچنین قرار شد زن اسیدپاش برای تحقیقات به دادسرای جنایی تهران احضار شود.

قاتلان فراری در دام پلیس

دو نفر که با شلیک گلوله مرد میانسال را کشته بودند، همراه چهار طراح ماجرا بازداشت شدند.

به گزارش جام‌جم، روزهای پایانی آذرسال گذشته مرد ۴۵ ساله‌ای در یکی از خیابان‌های شهرساوه استان مرکزی با شلیک گلوله به قتل رسید و قاتلان فرار کردند.

تحقیقات پلیسی نشان داد این مرد سوار موتورسیکلتش بوده و با خروج از محل کارش به خانه می‌رفته که هنگام تردد در خیابان از سوی افرادی ناشناس با شلیک گلوله به قتل رسیده است.

در جریان تحقیقات معلوم شد اعضای یک خانواده با مقتول اختلاف داشتند و آنها به‌عنوان مظنون تحت تعقیب قرار گرفتند. دو متهم فراری بعد از گذشت چهار ماه از این جنایت در مخفیگاهشان در یکی از محله‌های شهرستان ساوه شناسایی و بازداشت شدند.

آنها اعتراف کردند به‌دلیل اختلاف قبلی آن مرد را کشته‌اند. با اعتراف آنها چهار نفر که در طراحی و اجرای این جنایت به آن دو کمک کرده بودند هم شناسایی و بازداشت شدند.

۱۲ کشته و مصدوم در انفجار ۲ خانه

در دو حادثه مختلف انفجار واحد مسکونی که یکی در شهرستان جهرم و دیگری در تهران رخ داد، در مجموع ۹ نفر مصدوم شدند و سه نفر جان خود را از دست دادند.

به گزارش خبرنگار جام‌جم در اولین حادثه که در شهرستان جهرم رخ داد، دو واحد مسکونی منفجر شد که در نتیجه آن تعدادی زخمی و کشته شدند. مهدی شفیعیان، فرماندار این شهرستان در گفت‌وگو با خبرنگار جام‌جم در مورد جزئیات این حادثه گفت: «این حادثه، ساعت ۱۳ و ۵۰ دقیقه ظهر یکشنبه پنجم اردیبهشت رخ داد و بلافاصله اجرای عملیات نجات به اعضای شورای بحران شهرستان اعلام و همزمان به تمام دستگاه‌های امدادی و نیروهای نظامی و انتظامی فراخوان دادیم. پس از حضور نیروها، محوطه پوشش داده شد و عملیات جست‌وجو و آواربرداری آغاز شد. در ابتدای کار، پنج نفر از مصدومان از زیرآوار خارج و به بیمارستان اعزام شدند که پس از انجام اقدامات درمانی، سه نفر از آنان ترخیص شدند و دو نفر دیگر هنوز در بیمارستان تحت مداوا هستند. ضمن این‌که در این حادثه، سه نفر از شهروندان جان خود را از دست دادند.»

فرماندار شهرستان جهرم در واکنش به این‌که برخی علت حادثه را انفجار گاز اعلام کرده‌اند، اظهار کرد: «این اظهارات براساس تحلیل‌های اولیه‌ای صورت گرفته اما علت قطعی هنوز مشخص نیست و از مرکز استان، تیمی متشکل از تخصص‌های مختلف در حال بررسی علت وقوع حادثه هستند.»

با گذشت کمتر از یک روز از حادثه جهرم، این بار یک منزل مسکونی در شهرک ولیعصر تهران منفجر شد. جلال ملکی درخصوص این حادثه گفت: «پس از اعلام حادثه، دو ایستگاه آتش‌نشانی به محل حادثه اعزام شد. محل حادثه یک منزل دو طبقه قدیمی به وسعت ۶۰ متر بود که در بررسی‌ها مشخص شد علت حادثه، انفجار آبگرمن و ناشی از نشت گاز بوده است. شدت انفجار در حدی بود که شیشه‌های ساختمان تخریب شده و لوازم منزل به‌هم ریخته بود.»

وی ادامه داد: «در لحظه انفجار، چهار نفر شامل پدر ۴۵ ساله خانواده، دو دختر ۱۰ و ۳ ساله و یک پسر ۲ ساله در خانه حضور داشتند که پدر خانواده دچار سوختگی شدیدی شده و کودکان نیز مصدومیت‌های خفیف داشتند که هر چهار نفر تحویل عوامل اورژانس شدند.»

انفجار گاز در تهران

تخریب دو خانه در جهرم

تلنگر

گریه‌های کودک از قتل مادر خبر می‌داد

زن ۴۴ ساله در خانه‌اش حوالی نواب به قتل رسید و عامل یا عاملان جنایت با سرقت طلاهای او متواری شدند. صدای گریه‌های پسربچه این زن، راز جنایت را فاش کرد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، زنی ۴۴ ساله همراه شوهرش و پسر یک‌ونیم‌ساله‌شان در آپارتمانی در طبقه همکف ساختمانی حوالی محله نواب زندگی می‌کرد. ساعت ۱۶ و ۳۰ دقیقه یکشنبه پنجم اردیبهشت امسال، جسد او در خانه‌اش در حالی یافت شد که وسایل خانه به‌هم‌ریخته بود و پسر یک‌ونیم‌ساله وی در کنار جسد نشسته و گریه می‌کرد. با گزارش این جنایت به بازپرس کشیک قتل دادسرای جنایی پایتخت او برای بررسی ماجرا همراه تیمی از ماموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران پا به محل جنایت گذاشت. بررسی‌های اولیه نشان می‌داد که وسایل خانه به‌هم‌ریخته‌است. ضربه به سر با جسمی سخت باعث مرگ این زن شده بود و ۱۰ ساعت از مرگ او می‌گذشت. بر اساس گفته شوهرش، طلاهای مقتول سرقت شده بود.

پرونده‌ای در شعبه چهارم بازپرسی دادسرای جنایی تهران تشکیل شد و تحقیقات از خواهرزاده مقتول که جسد را یافته بود و شوهر زن کشته‌شده ادامه یافت.

ابتدا خواهرزاده مقتول در جریان تحقیقات پلیسی گفت: چند بار به تلفن همراه و خانه خاله‌ام زنگ زدم اما پاسخ نداد. سابقه نداشت جواب ندهد. دل‌نگران شده و مقابل خانه‌اش رفتم اما باز هم در را باز نکرد. صدای گریه‌های پسرخاله یک‌ونیم‌ساله‌ام را از داخل خانه شنیدم و شک کردم. به پلیس ۱۱۰ خبر دادم. آنها همراه آتش‌نشانان در محل حاضر شدند. قفل در را شکستند و وارد خانه شده و با جسد خاله‌ام در اتاق نشیمن روبه‌رو شدیم. پسرخاله‌ام کنار جسد مادرش گریه می‌کرد. به شوهرخاله‌ام زنگ زدم و مرگ او را اطلاع دادم.

شوهر مقتول نیز در تحقیقات پلیسی گفت: از شامگاه شنبه چهارم اردیبهشت امسال سر کار بودم و زن و بچه‌ام در خانه بودند. عصر یکشنبه خواهرزاده همسرم به من خبر داد.

تحقیقات پلیسی برای شناسایی و دستگیری عامل یا عاملان این جنایت و رازگشایی از ابعاد پرونده ادامه دارد.

دستگیری زن و مرد قاتل

زن و مردی که در جنایتی مرتکب قتل مردی شده و گریخته بودند، بازداشت شدند.

۲۰ فروردین امسال، پلیس شهرستان ملکان در استان آذربایجان شرقی، جسد مجهول‌الهویه مردی را که در مسیر فرعی یکی از روستاهای شهرستان افتاده بود، پیدا کرد. با شناسایی خانواده مقتول هویت او تایید شد. درجریان تحقیقات رد زن و مردی در این پرونده به دست آمد و آنها چند روز پیش در یکی از روستاهای شهرستان ملکان شناسایی و بازداشت شدند. متهمان به همدستی با هم در قتل آن مرد اعتراف کردند اما تحقیقات برای افشای انگیزه‌شان از این جنایت در پلیس آگاهی ادامه دارد.

موبایل قاپی دو کودک کار

دو کودک کار که با سوءاستفاده از احساسات شهروندان اموال آنها را سرقت می‌کردند، بازداشت شدند. دو پسر ۶ و ۱۳ ساله در تقاطع خیابان کارگر و فاطمی دستفروشی می‌کردند اما کار اصلی آنها سرقت بود. شیوه سرقت این دو نفر به این صورت بود که گوشی رانندگان را پشت چراغ قرمز قاپیده و فرار می‌کردند. متهمان بعد از دستگیری به دادسرای اطفال معرفی و از آنجا راهی بهزیستی شدند. ۶۰ نفر تاکنون از این دو دزد کوچک شکایت کرده‌اند.

دستگیری مامور قلابی

مردی که با نصب و جعل آرم و علائم ارگان‌های امنیتی و انتظامی از مردم اخاذی می‌کرد دستگیر شد. ماموران هنگام گشتزنی در یکی از محله‌های حوالی ابوذر تهران به خودروی پراید که با نصب چراغ و آرم و علائم ارگان‌های نظامی در حال تردد بود مشکوک و آن را متوقف کردند. راننده اقدام به ارائه کارت شناسایی و حکم ماموریت یکی از ارگان‌های نظامی کشور کرد که معلوم شد کارت جعلی است. او اعتراف کرد که با جعل عنوان پلیس و فریب مردم از آنها اخاذی می‌کرده است.